

نامه دکتر ناصر زرافشان از زندان

در سپاسگزاری از همه تشکل‌ها، نهادهای دموکراتیک و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی و غیرایرانی

دوستان و یاران همراه

دیروز گرم مرا از پس حصارهای زندان پذیرید. از دور با اشتیاق جریان مبارزات صمیمانه شما را دنبال می‌کنم و خروش حق طلبانه تان را با گوش جان می‌شنوم و در این مبارزه مشترک برای تان آرزوی پیروزی دارم. همچنین می‌خواهم از طریق شما قلبی ترین سپاس‌های خود را به همه انجمن‌ها و نهادهای دموکراسی و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که طی چند ماهه گذشته با اینجانب اعلام همبستگی و برای آزادی اینجانب تلاش کرده و می‌کنند، ابلاغ کنم.

وضع اسفند باری که در حال حاضر بر رسانه‌های جمعی داخلی ایران حاکم است، مسئولیت سنگینی را به دوش شما می‌گذارد. زیرا در ایران امروز، صرف نظر از معدود نشریات کوچک و کم‌تیراژ، رسانه جمعی مستقل و مردمی وجود ندارد، و گذشته از این که سایه شوم و سنگین سانسور بر همه رسانه‌ها و مطبوعات داخلی گسترده است، هیچ یک از دو گروه عمده رسانه‌های مطبوعاتی موجود - که هر یک در اختیار یکی از دو جناح قدرت حاکم است - حتی در محدوده امکانات موجود خود نیز با مردم و مشکلات و مبارزات آنان کاری ندارند، و به شکلی کاملاً بسته در خدمت منافع گروهی و تبلیغ و بزرگ‌نمایی "کوتوله‌ها" هم‌گروه خویشند، و چنانچه گاهی هم به برخی مسائل و تحولات خارج از ساختار قدرت بپردازند، این کار در حدی است که بتواند از آن مسائل و مبارزات در جریان رقابتی که در درون ساختار قدرت با یکدیگر دارند بسود

خویش بهره برداری می‌کنند. این شرایط، وظیفه نیروهای برون مرزی را در انعکاس اخبار و تحولات جامعه و پشتیبانی از آن‌ها سنگین‌تر می‌سازد.

بی‌شک دوره پس‌رفت ضددموکراتیک که طی دو دهه اخیر با احیای دوباره برخی جریان‌های کهنه و منسوخ‌گذاشته مانند قوم‌گرایی، نژادپرستی، بنیادگرایی مذهبی، جنبش‌های نوافشستی و امثال آن‌ها، به منظور جلوگیری از وحدت و قدرت یابی نیروهای دموکراتیک و بی‌اثر کردن قدرت و یک‌پارچگی مردم جریان داشت، دیگر سپری شده است و برای غلبه بر بحران‌های فزاینده کنونی در عصر تحولات شتابان جهانی، هیچ راهی جز اتکاء به مردم و تمکین در برابر خواسته‌های آنان و دموکراتیزه شدن ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی وجود ندارد.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و یک بار دیگر با سپاسگزاری صمیمانه خود از همه تشکل‌ها، نهادهای دموکراتیک و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی و غیرایرانی از جمله کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، کمیته همبستگی با ناصر زرافشان، انجمن‌های ایرانی مقیم سوئد، اتحادیه نویسندگان سوئد، انجمن قلم آلمان، اتحادیه نویسندگان نروژ، وکلای بدون مرز، خبرنگاران بدون مرز، انجمن قلم، ABC استکهلم، انجمن قلم اتریش، اتحادیه روزنامه‌نگاران اتریش، انجمن قلم آمریکا، انجمن قلم دانمارک و کلیه نهادها، تشکل‌ها و شخصیت‌های دیگری که به دلیل شرایط ویژه کنونی خود و فقدان ارتباط با دنیای خارج از زندان از آن‌ها بی‌اطلاع مانده یا آن‌ها را از قلم انداخته‌ام، ابراز می‌دارم و برای همه یاران و همراهانی که در سراسر جهان در راه مشترک آزادی و بهروزی انسان تلاش می‌کنند، از بن جان آرزوی پیروزی می‌کنم.

ناصر زرافشان

آذر ماه ۱۳۸۱ - زندان اوین

بن بست "سرکوب قانونی"

از صفحه ۲

فقط در حد مهار کردن آن‌ها کافی می‌دانند.

جناح اصلاح طلبان نیز به اردوهای مختلفی تقسیم شده است. کارگزاران با تکیه بر موقعیت استثنایی رفسنجانی در هرم قدرت، خرج خود را از این جبهه جدا کرده و امیدوارند تا نقش محلل را در وقت خود بر عهده گیرند. بخش‌های محافظه کار این جناح با انتقاد به نیروهای رادیکال اصلاح طلبان، به مذاکره و توافق با جناح مقابل تمایل داشته و دغدغه بخشی از این نیرو حفظ مقام و پست‌هایی است که فرصت طلبانه پس از دوم خرداد بدست آورده است. تنها بخش کوچکی از این جناح، با تمایلات رادیکال، می‌کوشد تا در مقابل تعرض جناح مقابل مقاومت کند.

هر چند در شرایط بحرانی کنونی و تشدید تناقضات در حکومت، عواقب اقدامات خشونت آمیز در جامعه قابل محاسبه نیست. ولی واقعیت این است که از یک طرف افسار نیروی سرکوب و عوامل اجرائی جناح ولی فقیه، کسانی همچون

شریعتمداری و لاریجانی و ذوالقدر و امثالهم رها شده است. و از طرف دیگر جبن و هراس از جنبش توده‌ای عملاً جناح اصلاح طلبان را منفعل نموده است. از این رو اقدامات جنون آمیز دیگری توسط باندهای فاسد جناح ولی فقیه دور از انتظار نیست.

تجربه تاکنونی نشان داده است که تنها سدی که در مقابل تحرک عوامل سرکوب و آمران قدرت طلب آن‌ها امکان ایستادن دارد و نقشه شوم باند‌های قدرت را می‌تواند نقش بر آب کند، جنبش مردم و ابتکار عمل آن‌ها در مقابل تعرض به حقوق و آزادی‌های اولیه در جامعه است و تنها راه مقابله با تلاش‌های باند‌های سرکوب و ترور در سازماندهی یورش‌های جدید، سازماندهی مقابله با این باندها در مقیاس کل جامعه است. ارتجاع حاکم بر آن است که بر بستر سرخوردگی مردم از اصلاح طلبان حکومتی و در شرایط فقدان حضور یک نیروی اپوزیسیون مقتدر در صحنه سیاسی جامعه، نقشه‌های شوم خود را عملی ساخته ابعاد بگیر و ببند خود را گسترده سازد و به یک تصفیه خونین در سطح کل جامعه دست بزند. باید در برابر

این قبیل خواب و خیال‌های جنون آمیز مثنی اوباش که سرنوشت این مملکت را در دست گرفته اند، پیش از آن که زخم‌های عمیق بیشتری بر پیکر جامعه وارد آورند، ایستاد و این قبیل نقشه‌های شوم و واهی را با افشای چهره کریه طراحان و پشتیبانان آنان در میان مردم نقش بر آب ساخت.

از این رو نیز، امروز بیش از هر زمان دیگری حضور قدرتمند و موثر اپوزیسیون چپ، دمکرات و لائیک جمهوری اسلامی برای ایجاد تحرک در جنبش مردمی ایران حائز اهمیت است. اگر شکست نقشه‌های سرکوبگران جنبش مردم و عقیم ماندن آن‌ها در گرو حضور یک پارچه مردم در عرصه تحولات سیاسی جامعه و مقاومت در برابر ارتجاع حاکم است، لازمه این حضور و بویژه تداوم آن منوط به گشودن چشم‌اندازهای دیگری و رای جمهوری اسلامی و باند‌های فاسد آن در پیش روی این جنبش است و اپوزیسیون چپ، دمکرات و لائیک حکومت اسلامی با ائتلاف خود حول دمکراسی و تاکید بر حق بلامنازع حاکمیت مردم در ایران قادر به ایجاد چنین چشم‌اندازی هست